

تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی در محیط‌های شهری

مطالعه موردی: منطقه پنج کلان‌شهر تهران

اسماعیل علی‌اکبری - دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام‌نور

شهرام درخشان* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲۳ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۷

چکیده

آسیب‌های اجتماعی یکی از محورهای و مباحث اصلی مطالعات آسیب‌شناسی شهری در اغلب شهرها و کلان‌شهرهاست. این نوع آسیب‌ها دلایل، گونه‌ها و آثار و عوارض متعددی دارند و برنامه‌ریزی شهری نیز با هدف کاهش و کنترل آن، ناچار به اتخاذ رویکردهای متنوع و تحلیل‌های میان‌رشته‌ای است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس موقعیت‌یابی مکانی (GPS) داده‌های اسنادی پایه، الگوهای فضایی چهار آسیب اجتماعی (کارتن‌خوابی، تکدی‌گری، اعتیاد و کودکان خیابانی) با استفاده از GIS و روش‌های آماری و گرافیکی در منطقه پنج کلان‌شهر تهران مطالعه و تحلیل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد بستر فضایی-جغرافیایی شهر و ساختارهای کالبدی و کارکردی بارگذاری شده در آن بر شکل‌گیری کانون‌های مکانی، محورهای فضایی، شدت تراکم، دامنه و نحوه انتشار فضایی آسیب‌ها و در نتیجه الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی اثر تعیین‌کننده دارد. ترمینال غرب، میدان آزادی، میدان دوم صادقیه، میدان شهرزبا، محله‌های کن، مهران و جنت‌آباد جنوبی، مهم‌ترین محدوده‌ها و کانون‌های آسیب‌زایی اجتماعی و نقاط شدت تراکم آسیب‌ها محسوب می‌شوند که در شکل‌گیری محور فضایی و جهت جغرافیایی آسیب‌ها به شدت تأثیرگذارند. رفتار فضایی معنادار و کارتن‌خواب‌ها تابع کالبد فضا است و دامنه انتشار فضایی گسترده‌تر و فرایند انتشار مرحله‌ای دارد. در حالی که رفتار فضایی متکدیان و کودکان خیابانی تحت تأثیر کارکرد فضا، دارای دامنه پخش محدودتر و فرایند پخش مستقیم است. در نتیجه، نظام برنامه‌ریزی و نهاد مدیریت شهری در کنار رویکردهای معمول و متداول، باید با رویکرد فضایی به بستر جغرافیایی و محل وقوع آسیب‌ها و درک و تحلیل الگوهای فضایی برخاسته از آن، آسیب‌های اجتماعی را برنامه‌ریزی و مدیریت کند. شالوده این رویکرد، برنامه‌ریزی و اصلاح ساختارهای کالبدی و کارکردی فضای شهری، برای پیشگیری از ناهنجاری‌ها و کاهش آسیب‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، الگوهای فضایی، منطقه پنج کلان‌شهر تهران.

مقدمه

رشد شهرنشینی مهم‌ترین و پیچیده‌ترین پویای اجتماعی و فضایی جهان در نیم‌قرن گذشته بوده است. این پدیده در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه به‌طور اعم و ایران به‌طور اخص، به دلایل خاص خود، پویای شتابان بوده که قطبی شدن^۱ یا تمرکز جمعیت و فعالیت در کلان‌شهرها از مهم‌ترین عوارض فضایی آن به‌شمار می‌رود. رشد شهرنشینی توأم با ظهور کلان‌شهرها، در کنار دستاوردهای مثبتی از جمله ارتقای استانداردهای کیفی زندگی شهری، با عواقب زیان‌بار و آسیب‌های شهری متعددی نیز همراه بوده است. طیف متنوع آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین جنبه‌های آسیب‌شناسی شهری در اغلب شهرها و کلان‌شهرها است.

اگرچه دلیل قاطع و استدلال بسط‌پذیری وجود ندارد که آسیب‌های اجتماعی را از نظر مکانی مختص جوامع شهری بدانیم، به‌طور معمول شهرها کانون اصلی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی‌اند. از نظر تاریخی نیز نرخ جرائم و آسیب‌های اجتماعی در نواحی شهری همواره بالا بوده (هالیوال و همکاران، ۲۰۰۰: ۳۱۰) و در برنامه‌ریزی شهری معاصر نیز کاهش جرم و جنایت در محیط‌های شهری به‌ویژه در حومه‌های شهری جدید، از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری با رویکرد شهر سالم است (گردا و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۷). ساختار فضایی- مکانی آسیب‌های اجتماعی در ایران نیز الگویی شهری دارد که در آن کلان‌شهرها و در رأس همه، تهران و برخی مناطق کلان‌شهری آن کانون اصلی آسیب‌زایی و تمرکز آسیب‌های اجتماعی است.

منطقه پنج کلان‌شهر تهران با ۷۹۳ هزار نفر جمعیت (سال ۱۳۹۰) ۹/۷ درصد از جمعیت این شهر را در خود اسکان داده است. تمرکز شایان توجه جمعیت توأم با ناهمگونی بافت فرهنگی و تنوع توپوگرافی اجتماعی که حاصل از مهاجرت‌های روستایی، اسکان کارگران فصلی و کشش‌پذیری آن برای جابه‌جایی‌های جمعیتی درون شهری از مناطق مرکزی و جنوبی تهران است، به بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در این منطقه دامن زده است. منطقه پنج نه‌تنها به دلیل ساختار اجتماعی ویژه، بلکه به دلیل ویژگی‌های سازمان فضایی و پیکربندی عناصر و ساختار کالبدی آن از جمله وسعت قابل توجه منطقه و کشیدگی آن در امتداد شمالی- جنوبی، شدت و سرعت ساخت و سازها، گسترش شهرک‌سازی‌ها، وجود هسته‌های روستایی اولیه و بقایای محله‌های قدیمی با بافت فرسوده و فشرده، فراوانی فضاهای باز و اراضی بایر و خالی، تراکم شبکه معابر و فراوانی شریان‌های اصلی، یک نمونه بارز از مناطق کلان‌شهری برای مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی با رویکرد فضایی است.

این مقاله در همین راستا تلاشی است علمی برای بیان هم‌پیوندی، ارتباط دوسویه و آثار متقابل میان ساختارهای اجتماعی و ساختارهای کالبدی در بروز مسائل و آسیب‌های شهری که از طریق درک و تحلیل الگوهای فضایی رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی در منطقه پنج کلان‌شهر تهران سازمان یافته است. روش این مقاله به موضوعات و محدوده‌های مطالعاتی مشابه بسط‌پذیر است و نتایج آن در تحلیل و ریشه‌یابی مسائل و آسیب‌شناسی اجتماعی جوامع شهری و بر همین اساس برنامه‌ریزی و مدیریت رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا در محیط‌های شهری و کلان‌شهری کاربرد دارد.

مبانی نظری

اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی^۱ که به دلیل مشابه‌انگاری ساختار جامعه با کالبد و ارگانسیم انسانی، از مفهوم رایج آسیب‌شناسی در علوم زیستی گرفته شده، علم مطالعه و شناخت و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی است (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۴). به عبارت دیگر، آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه مبانی کارکردهای نابه‌سامان (محسنی، ۱۳۸۸: ۸) یا مطالعه نابه‌سامانی، اختلال و عدم تعادل در کارکردهای مربوط به حیات اجتماعی و شیوه‌های پیشگیری (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۱۱) از آن است.

آسیب‌های اجتماعی^۲ اعمال فردی یا جمعی، اقدامات و رفتارهای انحرافی متعددی را در بر می‌گیرد که در حوزه علم آسیب‌شناسی قابل بررسی‌اند. این پدیده‌ها گونه‌ها و دلایل متفاوتی دارند؛ به همین دلیل از نظر موضوع‌شناسی علمی مقوله‌ای میان رشته‌ای به‌شمار می‌رود که محل تلاقی علمی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و جغرافیای اجتماعی است.

نظام هنجارها (ارزش‌ها) یا اصول و مبانی هنجارهای اجتماعی یعنی شیوه‌های قومی^۳، رسوم اخلاقی^۴ و قانون منابع و معیارهای آسیب‌شناسی و تشخیص انواع آسیب‌های اجتماعی است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷: ۱۳۰)؛ درحالی که در زمینه جرم (جرم کیفری) قانون مجازات از منابع اصلی تشخیص و تعیین حقوق کیفری است. بر این اساس، جرم^۵ (کیفری) هر عملی است که قوانین وضع‌شده را نقض کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۹۹۰) یا هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (ایران: قوانین و احکام، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰). بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از مصادیق جرم کیفری، جرم مدنی یا جرم انتظامی‌اند. اعتیاد و تکیه‌گری از مصادیق جرم کیفری به‌شمار می‌روند.

درحالی که جرم به انحرافات اجتماعی و تخلفات قانونی (هنجارهای رسمی و مکتوب) افراد در سن قانونی اطلاق می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰)، بزهکاری اصطلاحی است که برای رفتارهای انحرافی جوانان و جرم‌های افراد زیر سن قانونی به‌کار می‌رود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷: ۱۱۹). به موازات آن می‌توان به مفهوم آشفتگی اجتماعی و مرز مفهومی آن با اصطلاحات فوق اشاره کرد. آنومی^۶ یا آشفتگی اجتماعی به معنای بی‌هنجاری و بی‌قانونی تشدیدشونده است که قلمرو آن از عدم رعایت قوانین تا انحرافات اجتماعی را در بر می‌گیرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۶۵). در این مقاله چهار آسیب اجتماعی به شرح و تعریف زیر تحت مطالعه قرار گرفته است.

کارتن خوابی^۷

کارتن خوابی یا بی‌خانمانی آشکار که بیانگر حداقل مفهوم و تعریف پدیده بی‌خانمانی است، افرادی را در بر می‌گیرد که

1. Social Pathology
2. Social Harms
3. Folkways
4. Mores
5. Crime
6. Anomy
7. Homeless

شب‌ها را در خیابان می‌گذرانند (صدیق سروستانی و همکار، ۱۳۸۹: ۳). این مفهوم در تعریف حداکثر نه‌تنها کارتن‌خوابی آشکار، بلکه بی‌خانمانی پنهان یا افرادی که به‌طور موقت با بستگان یا دوستان خود زندگی می‌کنند را شامل می‌شود و در حوزه گسترده‌تر با مفهوم طرد اجتماعی^۱ رابطه علت و معلولی دارد (همان، ۳).

کودکان کار و خیابان^۲

کودکان کار و خیابان بخشی از یک گروه بزرگ‌تر کودکان در وضعیت دشوار یا کودکان آسیب‌پذیر شهری‌اند که ساعات طولانی شبانه‌روز و گاه تمام آن را به‌صورت موقت (ناپایدار) یا دائمی (مستمر) و برای مدتی نامعلوم خارج از نهادهای اجتماعی - حمایتی معمول چون خانواده و مدرسه به قصد کار یا دوری از خانواده در خیابان به‌سر می‌برند (ریترز، ۱۳۷۴: ۳۵). کار کودک از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، جسمی و روانی جنبه استثمارگراییانه دارد (عاشوری، ۱۳۷۸: ۳) و به دلیل ایجاد اختلال در فرایند طبیعی رشد و جریان اجتماعی شدن بهنجار (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۶) از نظر نهادهای ملی و بین‌المللی جنبه آسیب‌شناسی دارد. مطابق مقررات سازمان جهانی کار پایان دوره کودکی در دختر و پسر به‌طور یکسان ۱۵ سالگی است و بر اساس ماده ۷۹ قانون کار ایران مصوب ۱۳۶۹ نیز به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال ممنوع است (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۰).

اعتیاد^۳

سازمان بهداشت جهانی اعتیاد را حالت مسمومیت متناوب یا مزمن و مضر برای فرد و اجتماع می‌داند که با مصرف مواد مخدر طبیعی یا شیمیایی به‌وجود می‌آید و یکی از مهم‌ترین مشخصات آن وابستگی روانی و جسمی است (فریدکیان، ۱۳۸۹: ۱۸۰) از نظر سازمان بهداشت جهانی قربانی هر نوع وابستگی دارویی و روانی به مواد مخدر معتاد شناخته می‌شود (همان، ۱۸۱). معتاد خیابانی که یکی از بارزترین مصادیق نقض قانون، تجاوز به حریم دیگران و آسیب‌رسانی به ساختارهای اجتماعی است، به کسانی اطلاق می‌شود که از معابر و فضاهای غیرخصوصی برای مصرف مواد مخدر استفاده می‌کنند.

تکدی‌گری^۴

تکدی‌گری که در شهرهای بزرگ نمود بیشتری دارد، نوعی انحراف اجتماعی است که در آن فرد تکدی بدون مشارکت در تولید اجتماعی، با شیوه‌های مختلف از دسترنج دیگران بهره‌مند می‌شود (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۹۱: ۲). این پدیده به‌صورت آشکار و پنهان انجام می‌گیرد و در برخی موارد، فعالیتی سازمان‌یافته به‌شمار می‌رود. تکدی‌گری اغلب یا

1. Social Exclusion
2. Working and Street Children
3. Addiction
4. Beggary

زمینه‌ساز دیگر آسیب‌های اجتماعی است، یا با گونه‌های دیگری از انحرافات اجتماعی همراه است. کاهش سن تکدی‌گری شهری ماهیت و ابعاد این پدیده را در کلان‌شهرهای کشور پیچیده‌تر کرده است. در ایران بر اساس مواد ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی، تکدی‌گری جرم محسوب می‌شود.

دیدگاه‌ها و نظرگاه‌هایی که رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی را در فضاها به‌طور اعم و فضاهای شهری به‌طور اخص تبیین و تحلیل می‌کنند، متناسب با فلسفه این دیدگاه‌ها از یک سو و ماهیت چندوجهی رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر، برخی به‌وجود رابطه و تأثیر تعیین‌کننده عوامل درونی - ذهنی، روان‌شناختی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی (دیدگاه‌های نافیایی و غیرافیایی) تأکید دارند و برخی دیگر نقش عوامل محیط بیرونی یا مؤلفه‌های فضایی، کالبدی و مکانی (دیدگاه فضایی) را در بسترسازی برای الگوهای رفتاری، رفتارهای انسانی و شکل‌دهی به آسیب‌های اجتماعی تعیین‌کننده می‌دانند. از همین روست که آسیب‌های اجتماعی به‌صورت مستقل یا چندسطحی قابل تحلیل و تبیین‌اند.

این پژوهش رویکرد فضایی به رفتارها و آسیب‌های اجتماعی دارد که وجه مشخصه دانش جغرافیاست. فضا یا به تعبیر هال^۱ زبان خاموش^۲ (هال، ۱۹۶۱)، بعد پنهان^۳ (هال، ۱۹۶۶) یا آن‌گونه که راپوپورت^۴ آن را رویکرد ارتباط غیرکلامی^۵ (راپوپورت، ۱۳۸۴) نامیده، بستر مکانی برای رفتارهای انسانی است. این بستر از طریق فرایندهای مختلف در رفتار فضایی انسان متجلی می‌شود و به‌صورت بروندادهای رفتاری هنجار و نابهنجار یا موزون و ناموزون، نمود عینی و رفتاری پیدا می‌کند. این مقاله بر پایه همین رویکرد، برای علت‌شناسی مکانی آسیب‌ها، درک و تحلیل جنبه‌های آسیب‌شناسانه در رفتار فضایی انسان یا مختصات و مضامین فضایی که در رفتارهای انسانی متجلی می‌شود، تهیه شده است.

این رویکرد محل تلاقی مطالعات اجتماعی و مطالعات جغرافیایی در قالب جغرافیای اجتماعی یا جغرافیای اجتماعی شهرها برای درک و تحلیل رفتارهای آسیب‌شناسانه و آسیب‌های رفتاری در محیط‌ها و فضاهای شهری است. در این دیدگاه تأثیر عوامل بیرونی یا خصوصیات فضایی - کالبدی بر رفتار انسان (بونس و همکار، ۲۰۰۱: ۳۱) یا به عبارتی نمودهای بیرونی رفتار انسان در رابطه متعارف با محیط مطالعه و تحلیل می‌شود (رازجویان، ۱۳۷۵: ۴۰). اصول و مبانی اصلی این دیدگاه بر چند بنیان فکری استوار است. این اصول و الگوهای نظری یا برآمده از پژوهش‌های نظری و تجربی در جغرافیای شهری‌اند، یا ریشه در مطالعات علوم دیگر دارند؛ ولی در پژوهش‌های جغرافیای شهری برای درک و تحلیل الگوهای فضایی رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی در شهرها به‌کار رفته و از این طریق جنبه‌ها و کاربردهای جدیدی به آن افزوده شده است.

1. E.T.Hall
2. The Silent Language
3. The Hidden Dimension
4. A.Rapoport
5. Nonverbal Communication

اصل تراکم فضایی

تراکم^۱ در زمینه رفتار انسانی در دو مفهوم به کار می‌رود: تراکم اجتماعی^۲ و تراکم فضایی^۳. تراکم اجتماعی شاخصی کمی برای تعداد افراد است که با روابط و رفتار بین فردی ارتباط نزدیک دارد. در حالی که تراکم فضایی وضعیتی عینی و فیزیکی از انبوهی یا حجم بارگذاری در یک واحد فضایی است که بر روابط و رفتار فضایی انسان تأثیر می‌گذارد. در واقع تراکم اجتماعی بر تعداد افراد تکیه دارد، در حالی که تراکم فضایی بر موقعیت تأکید دارد.

تراکم فضایی اغلب با شاخص‌های تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی بیان می‌شود. اما دیگر شاخص‌ها و عوارض فضایی از جمله شبکه معابر و فعالیت‌های شهری (کاربری‌ها) نیز به نوبه خود سهم به‌سزایی در تراکم فضایی دارند. پرسش اساسی این است که تراکم چه اثری بر رفتارهای انسانی دارد و پیامدهای مثبت و منفی زندگی در شرایط تراکمی بالا چیست؟ واقعیت این است بسیاری از پژوهش‌های نظری و تجربی بر پیامدهای منفی تراکم و به وجود رابطه میان تراکم فضایی بالا با آشفتگی‌های رفتاری، رفتارهای ناهنجار و آسیب‌های اجتماعی تأکید دارد. چرا که قلمروگرایی، خلوت‌گزینی و فضای شخصی همه نیازهای مهم انسانی‌اند که تعاملات میان گروه‌ها و رفتار فضایی انسان را آسان می‌کنند (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۲۰۷) اما تراکم بالا و به‌ویژه تراکم بلندمدت، مهم‌ترین تهدیدکننده برای این نیازهای اساسی است. در واقع فضا یکی از منابع حیاتی برای تأمین نیازهای اساسی انسان است و تراکم، عملکرد این منبع حیاتی را مختل کرده و آن را در تنگنا قرار می‌دهد. بدیهی است افزایش تراکم چه به صورت کاهش سهم و سرانه برخورداری افراد از مجموعه امکانات و خدمات شهری و در نتیجه تهدید سطح رفاه اجتماعی و چه به صورت عاملی مؤثر در کاستن از نظارت‌های رسمی (علی اکبری، ۱۳۸۳: ۶۴) شرایط مناسبی برای شکل‌گیری برخی آسیب‌های اجتماعی فراهم آورده و شانس موفقیت در اقدام به رفتارهای ناهنجار را افزایش می‌دهد.

در حالی که اثرات منفی مواجهه با تراکم کوتاه‌مدت اغلب به صورت برانگیختگی فیزیولوژیک (پرخاشگری، آشفتگی، عدم تمرکز و...) در رفتار فردی و گروهی منعکس می‌شود، دوره‌های طولانی زندگی در شرایط تراکم فضایی بالا (تراکم بلندمدت) از طریق کاهش کنترل و حمایت اجتماعی (کناره‌گیری اجتماعی)، عملکردهای رفتاری، رفتارهای ناهنجار و ارتباط غیرکلامی انسان را مختل می‌سازد (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۲۱۵-۲۲۰، ۲۲۴ و ۲۳۱). در واقع آثار رفتاری تراکم فضایی بالا از واکنش‌های فیزیولوژیک آن آشکارتر است. از این نظر تراکم چون یک رویداد کنترل‌ناپذیر عمل می‌کند. مطالعاتی که در ایران انجام گرفته، از جمله مطالعه علی‌نژاد و همکاران (۱۳۵۲) که از اولین پژوهش‌ها در بیان رابطه میان تراکم جمعیت و مسائل اجتماعی در مناطق شهر تهران است، مطالعات شاخص کلانتری درباره جغرافیای جرائم کلان‌شهر تهران (۱۳۸۰) و جرائم مرتبط با مواد مخدر در شهر زنجان (۱۳۸۹)، مطالعه پوراحمد و همکاران (۱۳۸۲)، عبادی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸) و مطالعه ذوالفقاری و همکار (۱۳۹۰)، هم‌بستگی میان کانون‌های آسیب‌زایی اجتماعی با کانون‌های پرتراکم و در نتیجه وجود رابطه مثبت میان تراکم بالا با آسیب‌زایی را در گونه‌های مختلفی از آسیب‌های

1. Density
2. Social Density
3. Spatial Density

اجتماعی تأیید کرده‌اند. باین‌حال، نتایج برخی مطالعات از جمله کلانتری و همکار (۱۳۸۶)، نقش بازدارنده تراکم بالا در آسیب‌زایی (قتل، ضرب‌وجرح و قاچاق مواد مخدر) و نایی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نقش جهت‌دهنده تراکم پایین در بروز آسیب‌های اجتماعی (کیف‌قایی) را نشان داده‌اند.

بدین ترتیب رابطه میان تراکم فضایی و آسیب‌زایی اجتماعی چون دیگر متغیرهای رویکرد فضایی، همیشه و در همه جا رابطه‌ای جزمی و اثباتی نیست. اصل سیالیت و لزوم رعایت آن در مطالعات شهری، ناشی از همین نسبت‌گرایی در فرایندهای شهری و پدیده‌های اجتماعی شهرها است. از این منظر (تراکم) آنچه در فضای شهری، به‌ویژه مناطق کلان‌شهری بدان نیاز است، فضای قابل‌دفاع با تراکمی متوسط است؛ جایی که ساکنان محل را در دست دارند، کنترل می‌کنند و از رفتارهای نابهنجار پیشگیری می‌کنند (همان، ۲۰۴ به نقل از نیومن، ۱۹۹۶: ۵۴).

اصل انتشار فضایی

جغرافیای شهری با الهام از مفاهیم نظریهٔ پخش^۱ در جامعه‌شناسی، مبانی فکری این نظریه را با مفهوم فاصله و فضا در تحلیل‌های جغرافیایی از پدیده‌های انسانی (و البته طبیعی) مورد بازنگری قرار داد. در این راستا به دو مفهوم توجه شد؛ روند انتشار فضایی^۲ (روند گسترش فضایی) و الگوی انتشار فضایی (الگوی پخش فضایی) پدیده‌ها. شاخص‌هایی که برای تشریح و تحلیل این مفاهیم وضع شد، یعنی موقعیت و خصوصیات فضایی کانون پدیده‌ها (مراکز انتشار) مسیر و جهت حرکت فضایی پدیده‌ها، سرعت حرکت و گسترش فضایی پدیده‌ها (هاگت، ۱۳۷۹: ۸۹)، (پاپلی یزدی و همکار، ۱۳۸۲: ۲۲۰-۲۲۱)، همه مفهوم جغرافیایی داشته و اصول و مبانی ارزشمندی برای تحلیل فضایی پدیده‌های انسانی فراهم آورده است.

در نوشته‌های جغرافیایی، انتشار فضایی پدیده‌ها دو معنای متمایز دارد؛ انتشار گسترشی^۳ یا منبسط و انتشار فضایی مجدد^۴ (هاگت، ۱۳۷۹: ۹۰). انتشار گسترشی یا منبسط فرایندی فضایی است که طی آن پدیده‌ها از یک مکان یا ناحیه به مکان یا ناحیه دیگری گسترش می‌یابند (تمایل به تکثیر شدن)، اما خود پدیده در مکان مبدأ باقی می‌ماند؛ درحالی‌که در انتشار فضایی مجدد پدیده‌های منتشرشده مکان مبدأ را ترک کرده و به مکان جدید منتقل می‌شوند (همان، ۹۰-۹۱). در انتشار گسترشی، نحوه گسترش و پخش پدیده‌ها به دو روش اتفاق می‌افتد: گسترش مستقیم یا فرایند گسترش انتقالی و گسترش سلسله‌مراتبی یا انتشار سلسله‌مراتبی که هر یک مصادیق و استدلال نظری خود را دارند.

بدیهی است پدیده‌های انسانی و رفتارهای فضایی برخاسته از آن در شهرها، ماهیت پیچیده‌ای دارند. لذا می‌توانند تابع هر یک از فرایندهای فوق یا ترکیبی از آنها باشند. در تحلیل الگوهای فضایی پدیده‌های اجتماعی و رفتارهای انسانی به‌ویژه در محدوده‌های مطالعاتی کوچک (شهر و پاره‌شهر) تأکید بیشتری بر کاربرد فرایند انتشار گسترشی و الگوهای انتشار فضایی آن است. چرا که با تبیین مناسبات فضایی و آثار متقابل میان نواحی و مکان‌ها، چارچوب نظری-تحلیلی

1. Diffusion Theory
2. Spatial Diffusion
3. Expantion Diffusion
4. Relocation Diffusion

مناسی برای تحلیل الگوهای فضایی در این زمینه و مقیاس به دست می‌دهد. با این حال واضح است ساختار فضایی پدیده‌های اجتماعی علاوه بر فضا (مکان) به زمان هم وابسته است. همان‌گونه که ساختار فضایی ناشی از زمان، الگوی انتشار ویژه خود را دارد، زمان و الگوی انتشار زمانی نیز ساختار فضایی خاص خود را می‌آفریند.

نظام کاربری اراضی

نظام کاربری اراضی معیارهای مطالعاتی متعددی دارد، اما سه جنبه از آن ارتباط نزدیک‌تری با آسیب‌های رفتاری و رفتارهای ناهنجار دارد. این ارتباط بیش از آنکه بیانگر اهمیت ماهوی این جنبه‌ها در آسیب‌زایی باشد، محصول پشتوانه‌های مطالعاتی و یافته‌های پژوهشی بیشتر در این زمینه است. نوع کاربری، نحوه مکان‌یابی و الگوی هم‌جواری سه جنبه از نظام کاربری اراضی است که رابطه هم‌بستگی و آثار آن بر رفتارهای انسانی از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه شده است.

این مطالعات نتایج متنوع و متفاوتی دارند. جنبه‌های همسو در یافته‌ها برای بیان اصول و قانونمندی‌های نظری روشن، مشخص و تعمیم‌پذیر در این زمینه هنوز کافی نیست. سازوکار اثرگذاری و رابطه علت و معلولی میان جنبه‌های مختلف کاربری با رفتارهای انسانی نیز چندان به دقت شناخته نشده است. با این حال این مطالعات بر یک واقعیت تأکید دارد و آن آثار آسیب‌زایی برخی کاربری‌ها و نقش آن در شکل‌گیری الگوهای فضایی آسیب‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری است. کاربری‌های اداری و تجاری بخش مرکزی شهرها، کاربری مسکونی به‌ویژه بافت‌های فرسوده و فشرده، نواحی و محله‌های اسکان غیررسمی، پارک‌ها و فضاهای سبز شهری، کاربری بایر، اراضی رهاشده و فضاهای خالی و فاقد کاربری (فضاهای بی‌دفاع) و برخی خیابان‌ها و معابر شهری از کاربری‌های شناخته‌شده در این زمینه است و نتایج مطالعات قصری و همکاران (۱۳۹۰) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۸، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲) درباره گونه‌های مختلفی از آسیب‌های اجتماعی مؤید آن است. نتایج این پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهد کانون مکانی آسیب‌ها و نقاط آسیب‌زایی فضایی با محدوده کاربری‌های فوق منطبق است. هم‌بستگی میان این دو (پهنه و کانون) چنان‌که نتایج مطالعات پوراحمد و همکاران (۱۳۸۲) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۸۹) نشان می‌دهد، یکی دیگر از دلایل آسیب‌زایی کاربری‌های فوق و نقش آن در شکل‌گیری الگوهای فضایی ناهنجاری‌های اجتماعی است.

نحوه مکان‌یابی به‌ویژه درباره کاربری‌های شاخص (پایانه‌ها، پارکینگ‌ها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل، پارک‌ها و میادین بزرگ، تقاطع‌ها و معابر اصلی) از منظر آسیب‌شناسی و آسیب‌زایی فضایی بسیار اهمیت دارد. برخی از این نقاط مرکز ثقل مکانی و کانون گره‌های شهری (فضایی و عملکردی) اند و از این منظر در جهت‌گیری جریان‌های شهری و تمرکزگرایی فرایندهای فضایی نقش اصلی بر عهده دارند. این نقاط ظرفیت‌ها و فرصت‌های بالقوه مناسبی برای شکل‌گیری آسیب‌ها و توزیع فضایی کانون‌های آسیب‌زایی مکانی در خود دارند و نظریه انتخاب عقلانی^۱ (گوک، ۲۰۱۱: ۱۰۰) نیز ارزیابی این فرصت‌های (پاداش‌ها) موجود در فضا را در فرایند تصمیم‌گیری (آغاز، ادامه و پایان) از نگاه متخلف تحلیل و تبیین

می‌کند. با این حال، این نظریه رویکردی غیرفضایی به ناهنجاری اجتماعی دارد و در آن فضا به‌طور جنبی و فرعی مورد توجه است.

کانون‌های آسیب‌زایی مکانی، کانون‌های بزهکاری یا کانون‌های جرم‌خیز نقطه، مکان یا محدوده‌ای کوچک با میزان بزهکاری بالاتر از حد متوسط است (کلانتری، ۱۳۸۶: ۷۷) که الگوی پراکنده، الگوی خوشه‌ای و الگوی نقطه‌ای (کانونی) سه شکل اصلی و مهم از الگوهای فضایی برخاسته از آن در شهرها است. برخی دیدگاه‌ها این ظرفیت آسیب‌زایی مکانی را به نقش موقعیت در بزهکاری نسبت می‌دهند؛ بدین معنا که این نقاط در نقش موقعیت‌های مخصوص و غیرمخصوص انگیزه و فرصت‌های بالقوه خطرناکی برای آسیب‌زایی و بزهکاری فراهم می‌آورند (محمد نسل و همکار، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۳). رویکرد فرصت‌گرایی فضایی به آسیب‌ها و ناهنجاری‌های شهری یا تأکید بر نقش فرصت‌های مکانی در تولید، تسهیل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تنها به فرصت‌های موجود در ساختار فضا محدود نمی‌شود. تبدیل یک نقطه از فضا به کانون آسیب‌زایی فضایی یا نقطه جرم‌خیز نه‌تنها با ساختار و موقعیت، بلکه با کارکرد آن نقطه از فضا ارتباط نزدیک دارد. رویکرد فعالیت‌ی یا کارکردی به فضا چه به عنوان عاملی مؤثر در تحرکات و جابه‌جایی‌های روزانه که در شکل‌گیری فضای آگاهی برای آسیب‌زایی اهمیت حیاتی دارد (نظریه فعالیت‌های روزمره^۱) و چه در نقش فضای فعالیت، یعنی تدارک و سازمان‌دهی الگوی فضایی مسیرها، گره‌ها و لبه‌های^۲ لازم برای فعالیت آسیب‌زایی (هیل و پی‌نیش، ۲۰۱۳: ۱۰۹-۱۱۲)، یک فرصت بنیادی برای آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌آورد و نقش مهمی در تکوین الگوهای فضایی آسیب‌های مختلف ایفا می‌کند. در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، کاربری‌های با عملکرد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که سهم به‌سزایی در تولید سفر، نظام مراجعات و در نتیجه افزایش تراکم فضایی و جمعیتی دارند، اغلب نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند.

اکنون رویکرد فضایی در تحلیل آسیب‌های اجتماعی در طبقه‌بندی مسائل دانش پیشگیری وضعی از جرم و بزه (افراسیابی، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۹) جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. اگر چه مطالعات موجود بیشتر بر کانون‌های آسیب‌زایی یا نقاط تمرکز آسیب تأکید دارند و این عمدتاً به دلیل ضرورت‌های اجرایی، نیازها و اقدامات پیشگیرانه است، اما دیگر رهیافت‌های این رویکرد به نوبه خود می‌توانند سهم مهمی در تحلیل‌های علمی و در نتیجه کاربرد ویژه‌ای در تدوین سیاست‌های پیشگیرانه داشته باشند.

در سال‌های اخیر استفاده از برخی رویکردهای کالبدگرا که عمدتاً به طراحی کالبدی محیط‌های فیزیکی در شهرها مربوطند و بنابراین نوعی برنامه‌ریزی کالبدی به‌شمار می‌روند، در مطالعات جغرافیای شهری متداول شده است؛ پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۳ و فضاهای بی‌دفاع^۴ از آن جمله است. این رویکردها اگر چه رویکردهای نافضایی به‌شمار نمی‌روند، ماهیت مکان و مقیاس فضای مطالعاتی در آنها مفاهیم و ابعاد ویژه خود را دارد. این رویکردهای تکنیکی و فناورانه، برای تحلیل و طراحی جنبه‌های کالبدی فضا در مقیاس کوچک، یعنی سایت شهری (به عنوان مثال

1. Routin Activities Theory
2. Path, Node and Edge
3. Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)
4. Undefensible Spaces

یک پارک شهری) کاربرد ویژه‌ای دارند و بنابراین به عنوان مکمل و در تعامل با رویکرد فضایی جامع‌نگر، اهمیت دارند. بازگشت به مفهوم جغرافیا به‌طور اعم و جغرافیای شهری بر آمده از آن مفاهیم به‌طور اخص، معیار ارزیابی، نحوه تعامل و کاربردپذیری این رویکردها در دامن مطالعات جغرافیایی و جغرافیای شهری است.

دانش جغرافیا بی‌شک به واسطه میراث سنتی آن، انسان و محیط، در مرکز تلاقی علوم اجتماعی و علوم طبیعی یا جامعه و طبیعت قرار دارد؛ اما بازپروری آن به عنوان ضرورت و فرصت منحصربه‌فرد در عصر تغییر جهانی، برای نوعی همکاری فراتخصصی اثربخش و مشارکت راه‌حل‌جویانه با دیگر رشته‌های علمی، یا مطالعات درون‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای در مقیاس محلی و منطقه‌ای، باید در قالب میراث سنتی مطالعات انسان و محیط و مفاهیم بر آمده از آن یعنی یکپارچگی، نظام زمینی، کنش متقابل، وابستگی متقابل و نظام‌های هم‌بسته اجتماعی - اکولوژیک به سرانجام برسد (اهلرس، ۱۳۹۲: ۷-۱۹). جغرافیای انسانی - محیطی مورد توجه به‌هیچ‌وجه دیگر شکل‌های پژوهش و تخصص‌گرایی جغرافیا را کنار نمی‌نهد؛ برعکس، تنوع و گونه‌گونی تخصصی، پیوسته از پیش شرط‌های بنیادین پاگرفتن ایده‌ها و رویکردهای تازه است (همان، ۱۸). مقاله مدل جغرافیای یکپارچه (ذکی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۲۳-۴۴) در تلاش است مفاهیم بنیادی چنین جغرافیایی را برای رعایت یکپارچگی در موجودیت‌های درون‌رشته‌ای جغرافیا و تعامل میان‌رشته‌ای آن با دیگر علوم را طرح و تبیین کند.

روش پژوهش

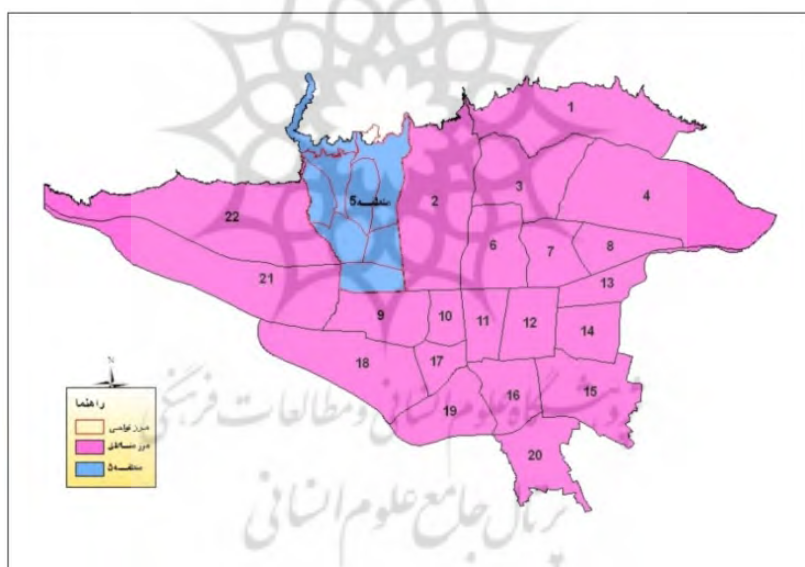
در روش توصیفی تحلیلی این مقاله داده‌های پایه مربوط به آسیب‌های اجتماعی از گزارش‌های آماری اداره خدمات اجتماعی شهرداری منطقه پنج تهیه شده است. در این گزارش‌ها داده‌ها با آدرس پستی ثبت شده‌اند. بر اساس این آدرس‌ها موقعیت مکانی آسیب‌ها با استفاده از GPS برداشت شده و پس از ورود در نرم‌افزار GIS به عوارض نقطه‌ای تبدیل شده و به این ترتیب پایگاه داده‌های مکانی از آسیب‌ها تشکیل شده است. برای درک ساختار مکانی و تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی (محدوده‌ها و کانون‌های آسیب‌زایی، تعداد و تراکم فضایی، نحوه توزیع فضایی و سطح پراکندگی، اندازه جابه‌جایی فضایی یا دامنه انتشار آسیب‌ها) از روش‌های آماری و گرافیکی شامل نقطه مرکز متوسط، فاصله از انحراف معیار، بیضی انحراف معیار، نقشه‌های نقطه‌ای، نقشه‌های موضوعی و روش تخمین تراکم کرنل استفاده شده که با کمک نرم‌افزار CrimeStat تولید شده‌اند. بدین ترتیب اطلاعات پایه به نقشه‌های پایه تبدیل شده و بر اساس آن تحلیل‌های لازم از الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی ارائه شده است.

محدوده تحت مطالعه

محدوده کنونی منطقه پنج در ساختار تقسیمات کالبدی کلان‌شهر تهران از شمال تا دامنه‌های جنوبی البرز، از جنوب تا جاده مخصوص کرج، از شرق تا دره فرحزاد و از غرب تا مسیل رودخانه کن را اشغال کرده است. این منطقه از نظر تقسیمات کالبدی ۷ ناحیه و ۳۱ محله شهری را در محدوده خود دارد و با ۵۴۱۴ هکتار مساحت، پس از مناطق ۴ و ۲۲ یکی از بزرگ‌ترین مناطق کلان‌شهر تهران است که با ۷۹۳ هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۰، حدود ۹/۷ درصد جمعیت

تهران را در محدوده خود اسکان داده است. کشیدگی نقشه منطقه در امتداد شمالی جنوبی تهران (نقشه ۱) به شکل‌گیری یکی از ویژگی‌های اصلی سازمان اجتماعی آن منجر شده است. این کشیدگی، لایه‌های اجتماعی مختلفی را در حوزه سکونت منطقه قرار داده و توپوگرافی اجتماعی آن را به شدت متنوع و پیچیده کرده است. این تنوع اجتماعی و ناهمگونی بافت فرهنگی در کنار تبعات و توانمندی‌های مثبت، آن را به یکی از کانون‌های اصلی مهاجرپذیری در شهر تهران تبدیل کرده و از این طریق به برخی آسیب‌های اجتماعی دامن زده است. از این منظر، منطقه پنج تهران یکی از مناطق منحصربه‌فرد برای مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی است.

منطقه پنج تا دهه چهارم تنها دارای تعدادی روستای پراکنده شامل کن، باغ فیض، مرادآباد، حسن‌آباد، وسک و حصارک بود. در دهه چهارم اولین ساخت‌وسازهای شهری به صورت بلوک‌های مسکونی در محدوده تصفیه‌خانه شماره ۲ تهران در مسیر شمال و شرق روستای کن شکل گرفت. با شکل‌گیری بافت‌های مسکونی، به تدریج شبکه ارتباطی اولیه که استخوان‌بندی اصلی آن در اوایل دهه چهارم شامل دو محور اصلی ارتباطی تهران - کرج، یعنی جاده مخصوص و بزرگراه بود، شکل گرفت. در آن زمان اراضی گسترده این منطقه به صورت فصلی دارای آب بود و فراوانی قنات‌ها باعث به‌وجود آمدن باغات و اراضی زراعی شد.



نقشه ۱. موقعیت و محدوده منطقه پنج در نظام تقسیمات کالبدی کلان‌شهر تهران

پس از انقلاب، عوامل مختلفی از جمله تشدید مهاجرت‌های روستایی و جابه‌جایی جمعیت از مناطق مرکزی و جنوبی تهران به بارگذاری جمعیت و فعالیت در این منطقه به شدت دامن زد. افزایش شتابان آهنگ رشد جمعیت در سال‌های بعد از انقلاب (۵/۸ درصد در دهه ۶۵-۷۵) و افزایش تراکم و توسعه ساخت‌وسازهای شهری از شواهد این فرایندهاست. به طوری که در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ بافت مسکونی به سرعت گسترش یافت و با فعال شدن تعاونی‌های مسکن ادارات و نهادهای دولتی، ساخت‌وساز ابعاد جدیدی به خود گرفت. ارزان بودن قیمت زمین توأم با ساخت‌وسازهای گسترده تا سال ۱۳۷۴ برای سکونت‌گزینی و جابه‌جایی‌های جمعیتی درون شهری و جریان‌های مهاجرتی به‌ویژه در میان اقشار فرودست، یعنی مهاجران روستایی و کارگران فصلی انگیزه‌ها و جذابیت‌های جدیدی به‌وجود آورد. با احداث واحد

علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی در اراضی مجاور حصارک، ساخت‌وسازها در اراضی پیرامون آن گسترش یافت. تراکم شبکه معابر و فراوانی شریان‌های اصلی، پارک‌ها و فضاهای سبز شهری، شهرک‌سازی‌های مسکونی، نوساز بودن بافت و غلبه شبکه معابر منظم، فشردگی بافت در بخش‌های مرکزی و وجود اراضی باز و بافت گسسته در اراضی پیرامون و تنوع شیب و پهنه‌بندی ارتفاعی، از دیگر ویژگی‌های سازمان فضایی منطقه است. به همین دلیل منطقه پنج‌نه‌تنها به دلیل ساختار اجتماعی ویژه، بلکه به دلیل ویژگی‌های ساختار فضایی، از جمله مناطق شهری نمونه برای مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی با رویکرد فضایی است.

بحث و یافته‌ها

ویژگی‌های کمی و کیفی و ساختار کلان آسیب‌های اجتماعی: اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد کل جامعه مطالعاتی در چهار آسیب تحت بررسی شامل ۳۶۳ نفر است که میان آسیب‌ها در نقاط مختلف منطقه توزیع شده‌اند. از این منظر به ترتیب تکدی‌گری، اعتیاد، کودکان کار و خیابان و کارتن‌خوابی مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی منطقه پنج به‌شمار می‌رود. بررسی و گذشته‌نگری ابعاد کمی این آسیب‌ها در طول دوره پنج ساله (۱۳۸۵-۱۳۹۰)، به‌ویژه درباره تکدی‌گری نیز بیانگر روندی افزایشی است. به موازات ابعاد کمی باید به جنبه‌های کیفی و خصوصیات رفتارشناسی فعالیت این افراد اشاره کرد که برای درک علل و زمینه‌های شکل‌گیری و تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌ها بسیار اهمیت دارد.

تکدی‌گری مستقیم توأم با الگوی غالب تکدی‌گری غیرمستقیم که عموماً در اطراف مراکز خرید، تقاطع‌های اصلی و میادین بزرگ به‌صورت دست‌فروشی، گل‌فروشی و دعا‌فروشی دیده می‌شود، الگوی اصلی نظام تکدی‌گری منطقه را تشکیل می‌دهد. این ویژگی توأم با توزیع جنسی متکدیان (۷۸ درصد مرد و ۲۲ درصد زن) در مجموع نشان می‌دهد رفتار تکدی‌گری در منطقه الگویی مردانه و غیرمستقیم دارد. اوج فعالیت این افراد ساعات ۱۰ تا ۱۲ صبح و ۱۷ تا ۱۹ بعدازظهر است.

کودکان کار و خیابان اغلب به شکل گروهی در گروه‌های ۲ یا ۳ نفره در حوالی مراکز خرید، چهارراه‌ها و تقاطع‌های اصلی و میادین یا ترمینال‌ها فعالیت می‌کنند. کار کودکان که عموماً به‌صورت فروش اقلامی مانند چسب‌زخم، گل، دعا و انواع خوراکی انجام می‌گیرد، اغلب با تکدی‌گری همراه است. بسیاری از این کودکان روزها به کار در خیابان مشغول‌اند و شب‌ها را نیز در خیابان سپری می‌کنند. اغلب کودکانی که توسط شهرداری جمع‌آوری می‌شوند، در صورتی که به خانواده بازگردانده نشوند، به مرکز یاسر تحویل داده می‌شوند که این مراکز فقط کودکان پسر را پذیرش می‌کنند.

جمعیت تقریبی کارتن‌خواب‌ها در ساعات مختلف روز متغیر است، ولی همان‌طور که انتظار می‌رود، در ساعات ۹ تا ۱۲ شب افزایش شایان توجهی دارد. این افراد در فصول سرد یا به گرم‌خانه‌ها پناه می‌برند، یا در نزدیکی واحدهای مسکونی می‌خوابند؛ ولی در فصل گرم در فضاهای عمومی به‌ویژه پارک‌های شهری به‌سر می‌برند.

پدیده معتادان خیابانی یکی از مشخصه‌های اصلی نظام آسیب‌شناسی اجتماعی منطقه است که در نواحی مختلف توزیع شده است. اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد محله آپادانا و فکوری با بیشترین تراکم جمعیت، کانون تمرکز معتادان خیابانی در منطقه است.

جدول ۱. فراوانی آسیب‌های اجتماعی بر حسب نوع آسیب به تفکیک محله‌های شهری در منطقه پنج (۱۳۹۰)

نام محله	مساحت محله (هکتار)	جمعیت محله (نفر)	تراکم جمعیت (نفر در هکتار)	متکدیان	معتادان خیابانی	کودکان کار و خیابان	کارتن‌خواب‌ها
شهرزیا	۶۳	۴۵۳۸	۷۲	۱۲	۷	۲	۳
کن	۱۴۷	۲۰۵۷۰	۱۴۰	-	۴	-	۵
پونک شمالی	۱۴۸	۲۱۰۹۱	۱۴۳	۱۶	-	۲	-
کوی ارم	۲۷۲	۲۰۷۳۰	۷۶	۶	-	۴	-
سازمان برنامه جنوبی	۱۰۳	۲۲۴۵۰	۲۱۸	۲	-	۲	-
فردوس	۳۱۷	۵۱۶۰۱	۱۶۳	۲۳	۱۰	۷	۱۲
مهران	۱۳۵	۲۴۹۴۰	۱۸۵	۲	۳	۹	۶
آبادانا و فکوری	۴۶	۹۱۰۳	۱۹۸	۷۷	۵۸	۱۰	۱۱
اکباتان	۲۴۰	۴۵۱۰۰	۱۸۸	۹	۷	۳	۵
جنت‌آباد شمالی	۲۱۰	۳۹۰۹۸	۱۸۶	۴	۹	۵	۳
جنت‌آباد جنوبی	۲۷۲	۵۳۴۸۴	۱۹۷	۲	-	۸	-
شاهین	۱۱۳	۲۰۵۰۶	۱۸۱	۲	-	-	-
شهران جنوبی	۱۱۳	۲۰۵۰۶	۱۸۱	-	۳	-	۳
شهران شمالی	۱۱۳	۲۰۵۰۶	۱۸۱	-	-	-	۱
باغ فیض	۱۱۳	۲۰۵۰۶	۱۸۱	-	-	-	۲
شهرک المهدی	۱۱۳	۲۰۵۰۶	۱۸۱	-	-	-	۴
جمع	۲۵۱۸	۴۱۵۲۳۵	۲۶۷۲	۱۵۵	۱۰۱	۵۲	۵۵

مأخذ: گزارش آسیب‌های اجتماعی منطقه پنج، اداره خدمات اجتماعی شهرداری منطقه پنج کلان‌شهر تهران

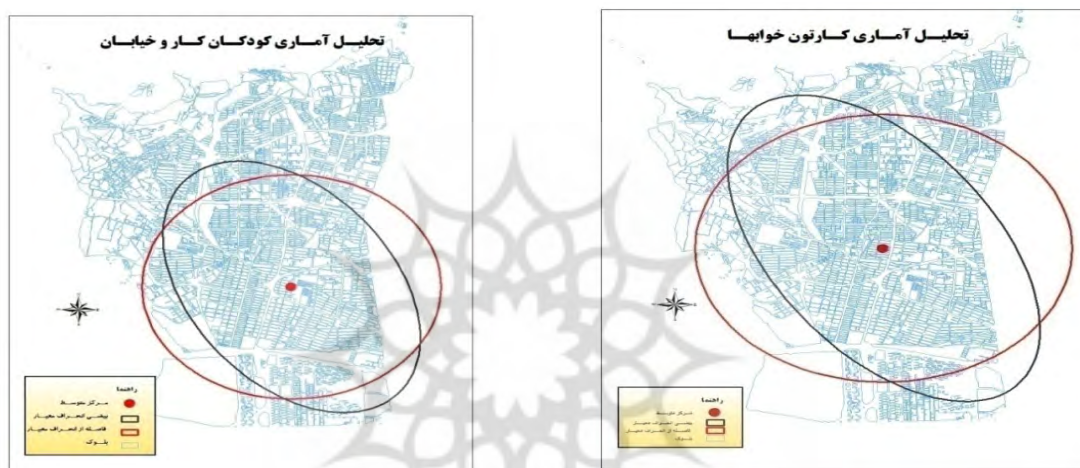
مأخذ اطلاعات جمعیتی: نتایج سرشماری ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران

کانون و روند توزیع فضایی آسیب‌ها: نقشه‌های ۲ تا ۵ برای تعیین کانون فضایی و شناخت روند توزیع

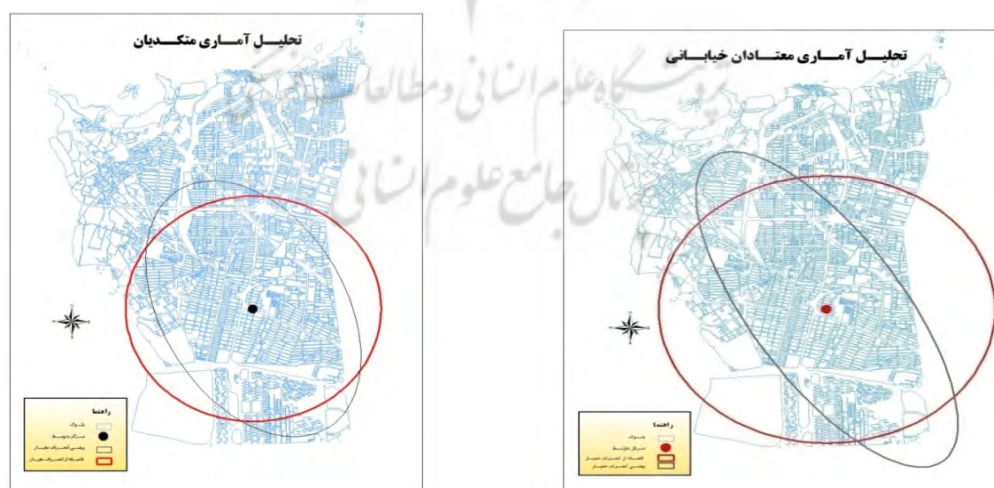
فضایی آسیب‌های تحت مطالعه تولید شده‌اند. این نقشه‌ها که با استفاده از نرم‌افزارهای ArcGis و CrimeStat V3.3 و بر مبنای کاربرد مدل‌های آماری گرافیک مبنا یعنی مرکز متوسط، فاصله از انحراف معیار و بیضی انحراف معیار تهیه شده‌اند، بیانگر چند واقعیت فضایی در این زمینه‌اند.

نخست اینکه کانون ثقل فضایی متکدیان، معتادان و کودکان خیابانی با محله مهران، ولی کانون ثقل فضایی کارت‌ن‌خواب‌ها با محله جنت‌آباد جنوبی منطبق است. در تحلیل و توجیه این مراکز ثقل و انطباق میان آنها اشاره به چند نکته حائز اهمیت است. مهران و جنت‌آباد جنوبی از نظر موقعیت محله‌ای در مرکز جغرافیایی منطقه پنج‌اند و از تراکم جمعیت بالایی نیز برخوردارند. به بیان دیگر، مهران و جنت‌آباد جنوبی که در مرکز ثقل پهنه آسیب‌زایی منطقه قرار گرفته‌اند، از نظر جمعیتی مشخصه کانون‌های تراکمی را در خود دارند. تراکم جمعیت در مهران ۱۸۵ نفر و در جنت‌آباد جنوبی ۱۹۷ نفر (جدول ۱) در هکتار است که از بالاترین تراکم‌های جمعیتی در منطقه به‌شمار می‌رود. در همین حال،

مهران و جنت‌آباد جنوبی از نظر موقعیت ارتباطی در کانون شریان‌های اصلی ارتباطی منطقه واقع شده‌اند. تلاقی میان مرکزیت جغرافیایی و ارتباطی با مرکز ثقل فضایی آسیب‌ها، ویژگی مشخصی به این محله‌ها بخشیده است که در تحلیل پهنه‌های آسیب‌زایی و الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی بسیار اهمیت دارد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد شکل‌گیری پهنه‌های آسیب‌زایی با ویژگی‌های موقعیتی، تعداد جمعیت و خصوصیات تراکمی جمعیت در فضا ارتباط نزدیک دارد. تأکید بر رویکرد فضایی برای کنترل رفتارهای ناهنجار و کاهش آسیب اجتماعی در محیط‌های شهری نیز برخاسته از همین رابطه است که باید در نظام برنامه‌ریزی شهری و نهاد مدیریت شهری به عنوان یک رهیافت کلیدی مورد توجه قرار گیرد.



نقشه ۲. نمایش گرافیکی الگوی توزیع فضایی کارتن‌خواب‌ها
نقشه ۳. نمایش گرافیکی الگوی توزیع فضایی کودکان کار و خیابان



نقشه ۴. نمایش گرافیکی الگوی توزیع فضایی متکدیان
نقشه ۵. نمایش گرافیکی الگوی توزیع فضایی معنادران خیابانی

تحلیل روند و الگوی توزیع فضایی آسیب‌ها در پهنه منطقه پنج که شاخص بیضی انحراف معیار و فاصله از انحراف معیار بر روی نقشه‌های ۲ تا ۵ معرف آن است، در همین زمینه واقعیت‌های دیگری از بیان رابطه میان ساختار فضا و آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد. نخست اینکه در همه آسیب‌ها چنانچه کشیدگی بیضی انحراف معیار بر روی

نقشه‌های ۲ تا ۵ نشان می‌دهد، الگوی توزیع فضایی آسیب‌ها روند شمال غربی جنوب شرقی دارد. تلاش برای علت‌شناسی فضایی این الگوی توزیع بر اساس مطالعه نظام کاربری اراضی، ساختار کالبدی فضا و کاربری‌های شاخص در امتداد این محور آسیب‌زایی نشان می‌دهد در شمال غرب محور یادشده، پارک جنگلی کوهسار و در جنوب شرق آن ترمینال غرب و میدان آزادی با عملکرد در مقیاس شهری، مهم‌ترین گره‌های شهری^۱ اند که به عنوان نقاط جذب‌کننده در شکل‌گیری این محور فضایی و جهت‌جغرافیایی آن به‌شدت تأثیرگذارند. در فاصله میان این کاربری‌ها، فضاها، محورها و گره‌های شهری دیگری مکان‌یابی شده‌اند که عموماً کارکرد در مقیاس محدودتر (منطقه‌ای و ناحیه‌ای) دارند، اما در ایجاد هم‌بستگی و پیوستگی فضایی در روند توزیع آسیب‌ها و هم‌پیوندی عملکردی میان آنها در محور یادشده سهم و نقش به‌سزایی دارند. این فضاها و عناصر فضایی واسط عبارتند از محله قدیمی کن با بافت فرسوده و تمرکز جمعیت مهاجر (افغانی و کارگران فصلی)، محله و میدان شهرزیا با بافت قدیمی و وجود کاربری زندان (زندان گروه سنی زیر ۱۸ سال) و میدان دوم صادقیه که مرکز تجاری و ارتباطی (ایستگاه متروی صادقیه) منطقه است و تلاقی کارکردهای تجاری و ارتباطی، ویژگی مشخصی در پهنه منطقه به آن بخشیده است.

این واقعیت نشان می‌دهد در تحلیل فضایی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای برخاسته از آن نه‌تنها تأکید بر موقعیت کاربری‌ها و گره‌های شهری یا مراکز ثقل فضایی به عنوان عناصر شاخص و مؤلفه‌های مستقل مهم است، بلکه توجه به آرایش فضایی، نظام مکان‌یابی و هم‌جواری فضاها، عناصر و کاربری‌های شهری، برای درک آثار متقابل و هم‌پیوندی‌های فضایی و عملکردی در این زمینه بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل برنامه‌ریزی آسیب‌های اجتماعی در کنار برخی اقدامات سازه‌ای و سیاست‌های کالبدگرا (طراحی محیط) که به‌طور معمول با رویکرد معماری و شهرسازی برای پیشگیری وضعی از آسیب‌ها و کاهش رفتارهای ناپه‌نجا در نقطه‌ای خاص یا به‌صورت موضعی در عنصری خاص از فضای شهری انجام می‌گیرد، نیازمند سیاست‌های فضایی از منظر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است؛ سیاست‌هایی که با نگاه ساختارگرایی و کلیت‌بینی ویژه، درک روابط متقابل و تحلیل آثار هم‌بستگی و هم‌جواری فضایی میان فضاها و عناصر شهری را در تولید و تحلیل رفتارهای فضایی و آسیب‌های برخاسته از آن جست‌وجو می‌کند. از همین روست که تجدید نظر در مکان‌یابی ترمینال غرب برای انتقال آن به اراضی بیرون شهر، هم در کاهش شدت تمرکز فضایی ناشی از هم‌جواری فضایی و عملکردی میان ترمینال غرب و میدان آزادی و هم در کاهش شدت تراکم آسیب‌ها و کانون آسیب‌زایی این نقطه به‌شدت تأثیرگذار است.

دامنه انتشار فضایی آسیب‌ها

الگوی پخش فضایی آسیب‌های اجتماعی که شاخص فاصله از انحراف معیار روی نقشه‌های ۲ تا ۵ معرف آن است، درباره کارتن‌خواب‌ها و معتادان خیابانی شکل پهن‌تر و پس‌کرانه فضایی وسیع‌تری دارد (نقشه‌های ۲ و ۵). به‌طوری که مرزهای آن در خارج از منطقه گسترده شده است. درحالی‌که درباره آسیب‌هایی چون کودکان و متکدیان خیابانی،

گسترش فضایی به مراتب مرزهای محدودتری (نقشه‌های ۳ و ۴) را نشان می‌دهد. در واقع الگوی پخش فضایی یا انتشار پدیده‌های اجتماعی در فضای جغرافیایی، همان‌گونه که نظریه پخش بیان می‌کند، متناسب با ماهیت پدیده، خصوصیات کانون پخش، سرعت پخش و فرایند پخش آن پدیده متفاوت است. پدیده‌های اجتماعی چون کارتن‌خواب‌ها و معتادان خیابانی به دلیل تأثیرپذیری از تغییرات فصلی و تغییرات زمانی در طول شبانه‌روز (کارتن‌خواب‌ها) یا ضرورت تغییر موقعیت برای فرار از محدودیت‌ها و نظارت‌های رسمی (معتادان)، در جست‌وجوی فضاهای مناسب و امن، ناچار به مانور فضایی و تحرک مکانی بیشترند.

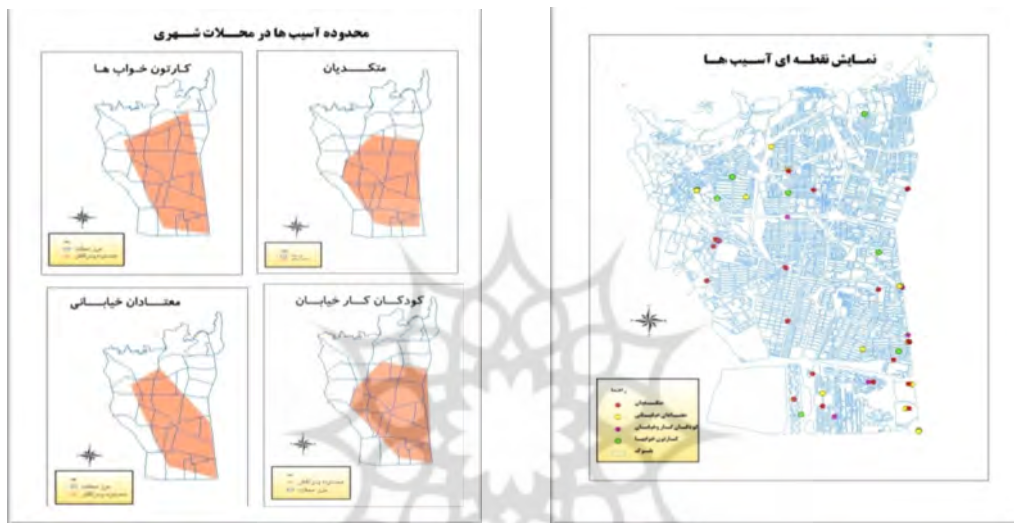
به همین دلیل منحنی انحراف از معیار آنها روی نقشه‌های ۲ و ۵ در شعاع فضایی وسیع‌تری گسترده شده است. درحالی‌که متکدیان و کودکان خیابانی به دلیل وابستگی کارکردی به نقاطی خاص از فضای شهری، حوزه انتشار فضایی محدودتری دارند. کودکان کار و خیابان به موقعیت و فعالیت مراکز و کاربری‌هایی چون کارگاه‌های تولیدی و تجاری، مراکز خرید، مراکز پذیرایی و واحدهای عرضه غذا، چهارراه‌ها و تقاطع‌های اصلی، میدین، ایستگاه‌های مترو و ترمینال‌ها وابسته‌اند و نحوه استقرار فضایی آنها الگوی نقطه‌ای مشخص و محدودی در پهنه شهری دارد. وابستگی متکدیان خیابانی (متکدیان مستقیم و غیرمستقیم) به موقعیت مراکز تجاری و بازارهای شهری، گره‌های ترافیکی، مساجد، بیمارستان‌ها و رستوران‌های بزرگ، یعنی مکان‌هایی که با کارکرد مشخص، در ساعات خاصی از روز مقصد نظام مراجعات و سفرهای درون‌شهری‌اند، الگوی انتشار فضایی مشابهی به وجود آورده است.

این تفاوت در دامنه انتشار فضایی آسیب‌ها بدان معناست که الگوی پخش فضایی کارتن‌خواب‌ها و معتادان تابع کالبد فضا یا ساختار کالبدی فضا است ولی الگوی پخش فضایی کودکان و متکدیان خیابانی تابع کارکرد فضا یا ساختار کارکردی فضای شهری است. به همین دلیل برنامه‌ریزی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی در کنار درک صحیح و عمیق از ماهیت رفتار اجتماعی این آسیب‌ها به عنوان واقعیت‌های انسانی و اجتماعی، به شناخت صحیح و تحلیل دقیق الگوهای رفتار فضایی این پدیده‌ها به عنوان یک واقعیت فضایی نیازمند است. درون‌مایه اصلی این نگرش بر مطالعه ساختارهای فضایی (ساختار کالبدی و کارکردی) یعنی تحلیل بستر و محل وقوع آسیب‌ها در آسیب‌شناسی شهری به‌طور اعم و آسیب‌شناسی اجتماعی به‌طور اخص تأکید دارد.

نمایش نقطه‌ای، تحلیل محدوده/گستره و شدت تراکم آسیب‌ها: نقشه‌های ۶، ۷ و ۸ که نمایش گرافیکی آسیب‌های اجتماعی است، جنبه‌هایی از توزیع نقطه‌ای، گستره و تراکم فضایی آسیب‌ها را به تفکیک نشان می‌دهد. بر مبنای نقشه توزیع نقطه‌ای که الگوی پایه‌ای پخش آسیب‌ها را در پهنه منطقه نمایش می‌دهد، نقشه‌های محدوده گسترش و نقطه شدت تراکم آسیب‌ها ترسیم شده‌اند. همان‌طور که می‌دانیم توزیع نقطه‌ای پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی در بستر جغرافیایی محیط که الگوی پخش فضایی آنها را تعیین می‌کند، تابع کانون پخش، سرعت پخش و فرایند پخش آن پدیده‌ها است. بدیهی است پدیده‌های مختلف با ویژگی و ماهیت متفاوت، الگوهای انتشار فضایی متفاوتی می‌آفرینند.

تقریباً در همه آسیب‌ها، نقطه اصلی شدت تراکم یا کانون آسیب‌زایی فضایی با گوشه جنوب شرقی منطقه، یعنی محدوده ترمینال غرب و میدان آزادی منطبق است (نقشه ۸). اگر چه کانون‌های تراکمی دیگری در محدوده میدان دوم

صادقیه، یعنی در انطباق با مراکز خرید برای متکدیان و در محله جنت‌آباد در انطباق با موقعیت اراضی باز و فضاهای سبز برای کارتن‌خواب‌ها مشاهده می‌شود (نقشه ۸)، اما در همه آسیب‌ها مهم‌ترین مرکز شدت تراکم و تمرکز فضایی ترمینال غرب و میدان آزادی در جنوب شرق منطقه است. موقعیت بزرگ‌ترین پایانه مسافربری کشور در این نقطه از منطقه، با ساختارهای کالبدی و عناصر کارکردی (فراوانی رستوران و اغذیه‌فروشی) از یک سو و میدان آزادی با کارکرد فرامنطقه‌ای و تراکم عبوری و ترافیکی قابل توجه از سوی دیگر، در هم‌پیوندی فضایی و عملکردی با هم، زمینه مساعدی برای جذب کارگران فصلی، دست‌فروشی و افراد بیکار جویای کار فراهم آورده و از این طریق به فعالیت کارتن‌خواب‌ها، معتادان، متکدیان و کودکان کار و خیابان در این محدوده دامن زده است.



نقشه ۶. توزیع نقطه‌ای آسیب‌های اجتماعی در پهنه منطقه پنج
نقشه ۷. محدوده گسترش آسیب‌های اجتماعی در پهنه بندی محله‌ای



نقشه ۸. شدت تراکم کرنل آسیب‌های اجتماعی در پهنه منطقه پنج

آسیب‌های مختلف که کانون پراکنش و مرکز ثقل مشترک دارند، دارای محدوده پراکنش متفاوتی‌اند. چنان‌که در نقشه ۷ ملاحظه می‌شود، کارتن‌خواب‌ها و معتادان در محدوده وسیع‌تر، ولی متکدیان و کودکان خیابانی در حوزه نزدیک خود گسترش یافته‌اند. اگر چه داده‌ها و نقشه‌های موضوعی از فرایند و مراحل پخش این پدیده‌ها در دسترس نیست، اما با توجه به محدوده پخش و دامنه انتشار، الگوی توزیع نقطه‌ای، ماهیت اجتماعی و عملکردی آسیب‌ها، ملاحظات امنیتی و محدودیت‌های قانونی حاکم بر جابه‌جایی فضایی و تحرکات مکانی این آسیب‌ها، می‌توان فرایند پخش آنها را پیش‌بینی و ترسیم کرد. واضح است پدیده‌ها و آسیب‌های اجتماعی مختلف هر یک فرایند پخش متفاوتی در فضا می‌آفرینند. متکدیان و کودکان کار و خیابان فرایند پخش مستقیم یا انتقالی دارند ولی معتادان و کارتن‌خواب‌ها در فرایندی سلسله‌مراتبی و مرحله‌ای توزیع می‌شوند. در این زمینه، علاوه بر مؤلفه‌هایی که پدیده‌های اجتماعی، رفتار و الگوهای فضایی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند، باید به الزامات و وابستگی‌های متقابلی اشاره کرد که کودکان و متکدیان خیابانی را به کارکرد نقطه‌ای فضا و معتادان و کارتن‌خواب‌ها را به مختصات کالبدی فضای شهری وابسته می‌کند. در واقع همان‌گونه که هر نوع تصمیم به انتخاب مکان یا دست زدن به یک تحرک مکانی در فضای شهری نه تنها تابع ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، ذهنی و روان‌شناختی (متغیرهای غیرفضایی و نافیایی) است، بلکه از مقتضیات محیطی و مکانی یا جغرافیایی شهری متأثر می‌شود، تصمیم به انتخاب مکان برای رفتارهای بزهکارانه و آسیب‌زا (کانون آسیب‌زایی مکانی) یا دست زدن به تحرک و جابه‌جایی مکانی (انتشار فضایی) در فرایند آسیب‌زایی، در کنار تأثیرپذیری از متغیرهای محیط اجتماعی، تابعی از شرایط و فرصت‌هایی است که فضای شهری به‌ویژه از طریق ساختارهای مکانی، کالبدی و کارکردی (نظریه انتخاب عقلانی) خود و الگوی فضایی برخاسته از کارکردها و ساختارهای یادشده (نظریه فعالیت روزمره) فراهم می‌آورد.

درک صحیح و تحلیل دقیق و عمیق این بستر فضایی-جغرافیایی و ساختارهای فیزیکی، کالبدی و کارکردی بارگذاری شده در آن، با روش‌شناسی علوم محیطی، به‌ویژه دانش جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و نیازهای برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار و پیشگیرانه رفتارهای شهری (جغرافیای رفتاری) به‌طور اعم و رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا (جغرافیای آسیب‌شناسی شهری) به‌طور اخص است.

نتیجه‌گیری

نتایج و دستاوردهای علمی که بر اساس نمونه مطالعاتی این مقاله می‌توان ارائه داد به شرح زیر است:

محله‌های مهران و جنت‌آباد جنوبی کانون ثقل فضایی آسیب‌های اجتماعی در پهنه منطقه پنج‌اند. موقعیت این محله‌ها نه تنها اندازه جابه‌جایی و تحرک و انتشار فضایی آسیب‌ها را در منطقه تعیین می‌کند، بلکه به دلیل تراکم جمعیت بالا و قرارگیری در مرکز جغرافیایی و ارتباطی منطقه، نقش مهمی در شکل‌گیری پهنه‌های آسیب‌زایی اجتماعی و آسیب‌های شهری ایفا می‌کند.

الگوی فضایی آسیب‌های اجتماعی در پهنه منطقه جهتی شمال غربی- جنوب شرقی دارد. موقعیت کاربری‌های شاخص، گره‌های شهری و مراکز ثقل فضایی چون ترمینال غرب، میدان آزادی و پارک جنگلی کوهسار با عملکرد در

مقیاس شهری، عامل اصلی در شکل‌گیری این محور آسیب‌زایی فضایی و جهت‌جغرافیایی آن است. در حد فاصل این مراکز ثقل فضایی، موقعیت و عملکرد گره‌ها و عناصر شهری چون میدان شهرزیبا، میدان دوم صادقیه و محله‌های قدیمی کن و شهرزیبا با عملکرد در مقیاس منطقه و ناحیه، نقش اصلی در پیوستگی فضایی آسیب‌ها در این محور بر عهده دارد.

در همه آسیب‌های تحت بررسی نقطه اصلی شدت تراکم فضایی (کانون آسیب‌زایی مکانی) با گوشه جنوب شرقی منطقه یعنی محدوده ترمینال غرب و میدان آزادی منطبق است که الگویی کانونی یا نقطه‌ای دارد. میدان دوم صادقیه با مراکز تجاری و محله جنت‌آباد با فضاها سبز و اراضی باز، دومین مراکز شدت تراکم به‌ترتیب برای متکدیان و کارتن‌خواب‌ها به‌شمار می‌روند که سهم چندانی در توزیع کانون فضایی آسیب‌ها و کاهش الگوی نقطه‌ای آن ندارند. آسیب‌ها علی‌رغم کانون پخش مشترک، دامنه پخش یا محدوده گسترش متفاوت دارند؛ معتادان و کارتن‌خواب‌ها دامنه انتشار وسیع‌تر ولی متکدیان و کودکان خیابانی دامنه انتشار فضایی محدودتری دارند. این تفاوت در دامنه انتشار فضایی آسیب‌ها و الگوهای فضایی برخاسته از آن، در کنار تأثیرپذیری از ملاحظات امنیتی و متغیرهای غیرفضایی، از شرایط کارکردی و ساختاری شهر متأثر است. الگوی پخش فضایی کارتن‌خواب‌ها و معتادان تابع کالبد فضا یا ساختار کالبدی فضا است، ولی الگوی پخش فضایی کودکان و متکدیان خیابانی تابع کارکرد فضا یا ساختار کارکردی فضای شهری (فضای فعالیت) است.

برنامه‌ریزی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی در کنار شناخت صحیح و عمیق ماهیت اجتماعی این آسیب‌ها به عنوان واقعیت‌های انسانی و اجتماعی، باید بر پایه درک روشن و تحلیل دقیق و عمیقی از الگوهای فضایی این پدیده‌ها به عنوان یک واقعیت فضایی باشد. درون‌مایه اصلی این نگرش بر مطالعه ساختارهای فضایی (ساختارهای کالبدی و کارکردی فضا) یعنی بستر مکانی و محل وقوع آسیب‌ها در آسیب‌شناسی شهری به‌طور اعم و آسیب‌شناسی اجتماعی به‌طور اخص تأکید دارد. مطالعه و تحلیل این بستر جغرافیایی و ساختارهای فضایی، کالبدی و کارکردی بارگذاری شده در آن با روش‌شناسی علوم محیطی و به‌ویژه دانش جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، نقش اصلی در مدیریت آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از رفتارهای ناهنجار بر عهده دارد؛ مطالعه و تحلیلی که نه‌تنها با رویکرد مبتنی بر تحلیل نقطه‌ای (کانون‌های آسیب‌زایی یا آسیب‌شناسی کانونی-تراکمی) است، بلکه با رویکرد ساختارگرایی شهری و کلیت‌بینی ویژه، برای درک آثار متقابل و تحلیل روابط هم‌جواری و هم‌پیوندی‌های فضایی و عملکردی میان عناصر و فضاها و کاربری‌های شهری نظام یافته است.

پذیرش و به‌کارگیری رویکرد فضایی (فضا-محور) در برنامه‌ریزی و مدیریت رفتارهای شهری، چنانچه تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد، در کنار رویکردهای غیرفضایی و نافضایی متداول و معمول (رویکرد فضایی کیفی‌دهنده، رویکرد اجتماعی مشارکت‌محور و رویکرد فرهنگی آموزش‌محور)، نقش مهم و کلیدی در کنترل آسیب‌های اجتماعی، رفتارهای ناهنجار و هدایت نظام رفتاری بر عهده دارد. به‌ویژه در شرایط کنونی که رویکرد فضایی حاکم و غالب نه با آسیب‌ها و زمینه‌های آسیب‌زایی و بزهکاری که با متخلف و بزهکار یعنی با معلول مبارزه می‌کند و رویکردهای مشارکتی و اجتماعی نیز نه‌تنها در میان لایه‌های اجتماعی عمومیت‌پذیری چندانی ندارند، بلکه با موانع و محدودیت‌های ساختاری (ضعف

نهادهای همگانی و تشکل‌های مدنی) مواجه‌اند. توسل به رویکرد فضایی می‌تواند در این زمینه تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این رویکرد از طریق ارتباط غیرکلامی، نه‌تنها در کنترل آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای ناهنجار، بلکه در هدایت پایدار مجموعه رفتارهای شهری (فردی و جمعی و عینی و ذهنی) بسیار تأثیرگذار است. ساختار فضایی شهرهای کشور به‌ویژه کلان‌شهرها ظرفیت و ذخیره عظیمی برای مطالعه و اقدام در این زمینه دارد که تاکنون با هدف مدیریت بر رفتار و پیشگیری و کاهش آسیب‌های رفتاری، جز به‌صورت موضعی و موردی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اینکه رهیافت‌ها و سیاست‌های اجرایی برای به‌کارگیری ساختارهای فضایی در هدایت ساختارهای اجتماعی چیست، خود موضوع بحث مستقلی است که باید از طریق نظام برنامه‌ریزی و مراجع تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در قالب مستندات طرح‌های اصلی توسعه شهری (جامع و هادی) یا طرح‌های موضعی و موضوعی صورت قانونی و ضرورت اجرایی به خود بگیرد.

از این منظر، سیاست‌های پیشگیری از آسیب‌ها و کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی منطقه پنج در موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- تجدید نظر در مکان‌یابی ترمینال غرب برای انتقال آن به اراضی بیرون شهر هم در کاهش شدت تمرکز مکانی ناشی از هم‌جواری فضایی و عملکردی میان ترمینال غرب و میدان آزادی و هم در کاهش شدت تراکم آسیب‌ها و کانون آسیب‌زایی این نقطه به‌شدت تأثیرگذار است. انتقال زندان کودکان زیر ۱۸ سال از مرکز محله شهرزیا یکی دیگر از سیاست‌های مکان‌یابی برای تغییر کاربری و بازآفرینی فضاهای ساخته‌شده در پهنه شمالی منطقه است.
- نوسازی بافت‌های فرسوده و تجدیدنظر در ساختار کالبدی محله‌های قدیمی کن و شهرزیا، به‌منظور کاهش ظرفیت‌ها و جذابیت‌های آن در جذب مهاجران روستایی، افغانی و کارگران فصلی تأثیرگذار است.
- اعمال سیاست‌های محدودکننده تراکم ساختمانی در محله‌های مرکزی پرتراکم (کانون‌های تراکمی) و مراکز ثقل فضایی آسیب‌ها، یعنی مهران و جنت‌آباد جنوبی، از طریق طبقه‌بندی این محله‌ها در میان پهنه‌های با تراکم ساختمانی کم، به‌منظور کاهش تراکم جمعیت در آنها تأثیرگذار است. از آنجاکه این محله‌ها در کانون شریان‌های اصلی ارتباطی منطقه نیز قرار دارند، تجدید نظر در ساختار فضایی و ترافیکی شبکه معابر سواره و اعمال سیاست‌های محدودکننده در کنترل و کاهش ترافیک عبوری و ورودی این محله‌ها مؤثر است.
- تجدید نظر در محدوده کالبدی و گستره جغرافیایی منطقه، به‌ویژه برای کاهش مساحت در امتداد شمالی-جنوبی با هدف همگن‌سازی ساختار اجتماعی منطقه و در همین زمینه، تغییر در ساختار تقسیمات داخلی و مرزبندی نواحی و محله‌ها، برای کاهش و کنترل تحرک فضایی رفتارهای ناهنجار و ایجاد محدودیت در دامنه انتشار فضایی آسیب‌ها (معتادان و کارتن‌خواب‌ها) به‌ویژه در محدوده کانون‌های فرعی آسیب‌زایی مکانی مؤثر خواهد بود. مرزها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوارض جانبی یا لبه‌ها (کالبدی یا ادراکی) در کنترل رفتارهای ناهنجار اهمیت حیاتی دارند.
- تراکم شبکه معابر و فراوانی شریان‌های ارتباطی یکی از ویژگی‌های بارز سازمان فضایی منطقه پنج است. موقعیت کانون‌های آسیب‌زایی، مراکز ثقل آسیب‌ها و نحوه انتشار فضایی آنها در پهنه منطقه نشان می‌دهد بخشی از پدیده تکدی‌گری به‌ویژه گروه‌های متکدی غیرمستقیم و فعالیت کودکان خیابانی با کارکرد ترافیک سواره مرتبط است و از

ناکارآمدی در نظام حرکتی آن تغذیه می‌کند. اقدامات مهندسی ترافیک در بدنه شبکه معابر، به‌ویژه در تقاطع‌های اصلی و گره‌های ترافیکی (از جمله احداث تقاطع‌های غیرهم‌سطح) برای کاهش توقف در حرکت سواره، بسیاری از فرصت‌های فضایی موجود برای پدیده‌های تکدی‌گری مستقیم و غیرمستقیم و فعالیت کودکان خیابانی را کاهش می‌دهد. در همین زمینه، همچنان که در مکان‌یابی بسیاری از ایستگاه‌های متروی تهران مشاهده می‌شود، هم‌جواری میان ایستگاه متروی صادقیه با کانون تراکمی میدان صادقیه و دقیقاً در همسایگی مراکز تجاری حاشیه میدان، با افزایش تراکم و تمرکز فضایی، به فعالیت متکدیان و کودکان کار و خیابان در این نقطه دامن زده و بر ظرفیت آسیب‌زایی اجتماعی در این کانون مکانی افزوده است.

- به موازات اقدامات فوق و در تعامل با سیاست‌های فضایی، اقدامات وضعی برای افزایش مراقبت‌های طبیعی و کاهش فرصت‌های آسیب‌زایی، از طریق طراحی محیطی ویژه و ارتقای کیفیت کالبدی فضاهای شهری، عناصر کارکردی و کاربری‌های شاخص و جاذب، به‌منظور کاهش سطح حضور متکدیان و محدودیت فعالیت کودکان خیابانی و کارتن‌خواب‌ها تأثیرگذار است. مراکز تجاری میدان دوم صادقیه، پارک‌ها و فضاهای سبز، به‌ویژه در محله جنت‌آباد و فضاهای باز میدان آزادی در اولویت چنین اقداماتی قرار دارند.

منابع

- آقاغنی‌زاده، جهان؛ کلانتری، محسن؛ (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی نظم و امنیت در پارک‌های شهر تهران با استفاده از اصول و راهبردهای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره سوم، (پیاپی نوزدهم) پاییز ۱۳۹۱، ۷۷-۱۰۶.
- احمدی، حبیب؛ (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ سوم، سمت، تهران.
- افراسیابی، علی؛ (۱۳۸۸). طبقه‌بندی مسائل جنایی فراروی پلیس برای طبقه‌بندی دانش پیشگیری وضعی از جرم، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، ۶۹-۹۷.
- اهلرس، اکارت؛ (۱۳۹۲). بازگشت به زمین؛ جغرافیا در عصر انسان، ترجمه عباس سعیدی، جغرافیا، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۲، انجمن جغرافیایی ایران، تهران، ۷-۲۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجردی، حسین؛ (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، سمت، تهران.
- پوراحمد، احمد؛ رهنمایی، محمدتقی؛ کلانتری، محسن؛ (۱۳۸۲). بررسی جغرافیایی جرائم در شهر تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، بهار ۱۳۸۲، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، ۸۱-۹۸.
- حسینی، سیدحسین؛ (۱۳۸۵). مجموعه تحلیل‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران (کودکان کار و خیابان)، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۵، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ۱۵۵-۱۷۴.
- ذکی، یاشار؛ پوراحمد، احمد؛ (۱۳۹۲). جغرافیای دوگانه و مفاهیم بنیادی مدل جغرافیای یکپارچه، جغرافیا، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۲، انجمن جغرافیایی ایران، تهران، ۲۳-۴۵.
- ذوالفقاری، حسین؛ شایگان، فریبا؛ (۱۳۹۰). بررسی جغرافیای جرم در شهر تهران، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، ۱-۲۷.
- راپوپورت، اموس؛ (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- رازجویان، محمود؛ (۱۳۷۵). نگاهی به اعتلاف معماری و علوم رفتاری در نیم‌قرن اخیر، مجله صفا، سال ششم، شماره ۲۳، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، ۳۶-۴۸.
- رفیع‌پور، فرامرز؛ (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، سروش، تهران.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ حاجی‌زاده میمندی، مسعود؛ اکبری قورتانی، صدیقه؛ (۱۳۸۸). نقش خانواده نابسامان بر پدیده کودکان کار (مطالعه موردی: استان یزد) فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۲۹-۵۲.
- ستوده، هدایت‌الله؛ (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی اجتماعی، آوای نور، تهران.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد؛ (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی کج‌روی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، سمت، تهران.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ نصر اصفهانی، آرش؛ (۱۳۸۹). اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران؛ پژوهش کیفی، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره چهارم، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱-۱۸.
- عاشوری، محمدرضا؛ (۱۳۷۸). کودکان رنج و کار، ماهنامه اندیشه جامعه، شماره ۷، مهر ماه ۱۳۷۸، تهران، ۳-۹.

عبداللهی، محمد؛ (۱۳۸۱). آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد اول، نشر آگه، تهران.

عبدی‌نژاد، سیدعلی؛ ذوقی، لیلا؛ رفعتی، سید عزیز؛ قبادی، عباس؛ (۱۳۸۸). رابطه بین عوامل جغرافیایی و نظم امنیت اجتماعی، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۱۲۷-۱۴۰.

علی‌نژاد، منوچهر و همکاران؛ (۱۳۵۲). طرح پژوهشی رابطه مسائل اجتماعی و سبک معماری شهر تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

علی‌اکبری، اسماعیل، (۱۳۸۳). توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی‌وششم، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۸۳، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، ۶۸-۴۹.

قصری، محمد؛ کلانتری، محسن؛ جباری، کاظم؛ قزلباش، سمیه؛ (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نوع کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری، مطالع موردی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۲۳، انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، ۱۷۴-۲۰۲.

فریدکیان، سیما؛ (۱۳۸۹). بررسی اختلال در کارکردهای خانواده و تأثیر آن بر اعتیاد فرزندان، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ۱۷۹-۲۲۰.

کلانتری، محسن؛ (۱۳۸۰). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری، به راهنمایی محمدتقی رهنمایی، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.

کلانتری، محسن؛ آیت‌الله، آیت؛ (۱۳۸۶). تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن، مطالعه موردی: تأثیر تاریکی، روشنایی، خلوتی و شلوغی محیط در نوع و میزان ارتكابی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۶، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۴۳-۶۵.

کلانتری، محسن؛ جباری، محمدکاظم؛ (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی کالبدی حوزه‌های تمرکز بزهکاری در محدوده منطقه ۱۹ شهر تهران، مطالعه موردی: جرائم مربوط به سرقت به عنف و مواد مخدر، جغرافیا، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار ۱۳۹۲، انجمن جغرافیایی ایران، تهران، ۱۳۹-۱۵۷.

کلانتری، محسن؛ حق‌پناه، احسان؛ (۱۳۸۹). شناسایی کانون‌های بزه سوء مصرف مواد مخدر شهر کرمانشاه با استفاده از روش تحلیل شبکه‌ای، فصلنامه محقق، پیش‌شماره اول، سال اول، بهار ۱۳۸۹، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه، ۳۶-۴۶.

کلانتری، محسن؛ صالحی، رحمان؛ بیات رستمی، روح‌الله؛ (۱۳۸۹). تحلیل فضایی الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۹، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۴۱-۱۶۰.

کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ جباری، کاظم؛ (۱۳۸۸). تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل، مورد مطالعه: جرائم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، تهران، ۷۳-۱۰۰.

کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ یغمایی، بامشاد؛ (۱۳۸۹). بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز شهر زنجان، مورد مطالعه: جرایم مرتبط با مواد مخدر، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۴، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، ۴۱-۵۹.

کلانتری، محسن؛ قهرمانی، علی‌اکبر؛ خسروی، یونس؛ جباری، کاظم؛ (۱۳۸۸). مدیریت و تحلیل داده‌های بزهکاری بخش مرکزی شهر تهران با استفاده از تکنیک‌های درون‌یابی و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، دانشکده فرماندهی ستاد، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۴۸۲-۵۰۴.

کلانتری، محسن؛ هدایتی، اکبر؛ عباسی، الهام؛ (۱۳۸۸). تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی GIS، مطالعه موردی: بزه قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر در شهر قزوین، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸ (شماره مسلسل ۴۴)، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۱۴۱-۱۸۱.

گزارش آسیب‌های اجتماعی منطقه پنج؛ (۱۳۹۰). اداره خدمات اجتماعی شهرداری منطقه پنج کلان‌شهر تهران.

گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ چهارم، نشر نی، تهران.

محسنی، رضاعلی؛ (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناسی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال دوم، زمستان ۱۳۸۸، ۲۳-۱.

محمدنسل، غلامرضا؛ اشراقی، مهرداد؛ (۱۳۸۸). نقش موقعیت در بزهکاری، فصلنامه علوم انتظامی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۷۹-۱۰۲.

مک اندرو، فرانسیس تی؛ (۱۳۸۷) روان‌شناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، زرباف اصل، تهران.

نایی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ قهرمانی، سهراب؛ (۱۳۹۰). نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۵۰، بهار ۱۳۹۰، ۱۹۹-۲۳۱.

وزارت کار و امور اجتماعی؛ (۱۳۹۱). نقش آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی (تکدی‌گری)، معاونت آموزش، دفتر کاهش آسیب‌های اجتماعی، تهران.

هاگت، پیتر؛ (۱۳۷۹). جغرافیا ترکیبی نو، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، سمت، تهران.

Bonnes, M.; Bonito, M.; (2001). Environmental psychology: From Spatial-Physical environment to sustainable development. Hand book of environmental psychology, John Wiley and Sons Inc, New York, PP. 28-54.

Gerda, R.; Wekerle; Whitzman, Carolyn; (1998). Safe Cities, Guidelines for planning, design, and management, New York.

Gok, Ozkan; (2011). The role of opportunity in crime prevention and possible threats of crime control benefits, turkish journal of Police Studies, Vol. 13, No. 1, PP. 97-114.

Hall, E. T.; (1961). The silent language, Greenwich, CT: Fawcett.

Hall, E. T.; (1966). The hidden dimension, Garden City, NY: Doubleday.

Haliwal, G. S.; Sangha, G. S.; Ralhan, P. K.; (2000). Fundamentals of Environmental science, Kalyani publisher, New Delhi.

Hill, B.; Paynich. R.; (2013). Fundamentals of crime mapping, second edition, Jones and Bartlett, USA.